

مرتضی بهروزی: فرآیند اجرای خالی بخش خصوصی در بازار گاز

مرتضی بهروزی: فرآیند کارشناس ارشد حوزه انرژی بازار گاز در سال ۱۴۰۲ چه سناریوهایی را در پیش دارد؟ در یک دسته‌بندی کلی، مشکلات موجود در بخش گاز را می‌توان به دو بخش مشکلات سمت عرضه و مشکلات سمت تقاضا دسته‌بندی کرد که نمود تمام این مشکلات، خود را در ناترازی گاز و قطعی آن در فصول سرد نشان داده است.



مشکلاتی از جمله کمبود سرمایه‌گذاری در توسعه و تولید میادین گازی، افت فشار پارس‌جنوبی، کمبود نسبت ذخیره‌سازی به مصرف و امکان ندادن به بازیگران ثالث به‌منظور تولید و سوپ گاز طبیعی از جمله مشکلات سمت عرضه و نظام تعرفه‌گذاری ناکارآمد، نبود نهاد تنظیم‌گر تخصصی، راندمان پایین صنایع و نیروگاه‌ها، نبود سازوکارهای مشوق صرفه‌جویی مانند حمایت دولتی از وسایل گرمایشی با راندمان بالاتر و هدررفت گاز در فرآیند پالایش تا توزیع، از جمله مشکلات سمت تقاضا به شمار می‌آید. نظر به این دسته‌بندی، می‌توان بیان کرد عمده راه‌حل‌هایی که به‌منظور رفع مشکلات سمت عرضه پیشنهاد می‌شود، از جنس بلندمدت و گاه میان‌مدت است. این امر در حالی است که حل مشکلات سمت تقاضا عمدتاً از جنس میان‌مدت و گاه کوتاه‌مدت است. نظر به این مساله به‌منظور حل مشکل ناترازی کنونی گاز، نیازمند توجه به هر دو بخش (هم مشکلات سمت عرضه و هم مشکلات سمت تقاضا) هستیم، اما با توجه به اجرای سریع‌تر، باید رفع مشکلات سمت تقاضا در اولویت قرار گیرد.

یکی از مشکلات کنونی بخش گاز، وجود انحصار شرکت ملی گاز در کنار نبود نظام قیمت‌گذاری کارآمد است. نظر به این امر، امروزه نقش و جایگاه بورس در بهبود فضای رقابت و در نتیجه ایجاد قیمت‌های کارآمد و همچنین تخصیص بهینه منابع بر کسی پوشیده نیست. در ایران نیز، طی سال‌های اخیر، به‌خصوص با افزایش ناترازی عرضه و تقاضای گاز در فصول سرد بیش از پیش مورد توجه واقع شده است. در این میان وجود موانعی همچون عدم دسترسی بازیگران ثالث به خطوط انتقال و توزیع، انحصار عرضه‌کننده گاز طبیعی، مشکلات ایجاد بازار آتی و عدم شفافیت نرخ هزینه ترانزیت از جمله مواردی بوده که موجب کندی تشکیل بورس گاز شده است.

از سوی دیگر، بازیگران سمت عرضه و تقاضا بنا به سیاست‌های ایجاد بورس گاز می‌توانند، نقش و عملکردهای متفاوتی از خود نشان دهند. در دسته‌بندی کلی، حالات مختلف بورس گاز عبارتند از: «حضور حداکثری تقاضاکنندگان و تامین تمامی تقاضا در بورس»، «حضور صنایع عمده به‌اضافه نیروگاه‌ها در بورس» و «محدود کردن عرضه به اوراق صرفه‌جویی». بر این اساس و در شرایط کنونی، به نظر می‌آید دومین حالت، یعنی حضور صنایع عمده و نیروگاه‌ها در سمت تقاضا و شرکت ملی گاز و گواهی‌های بهینه‌سازی در سمت عرضه در ابتدا و مهیاسازی شرایط برای عرضه گاز توسط بخش خصوصی، اجرایی‌ترین گزینه باشد. البته باید توجه کرد که در همین حالت نیز، نیازمند اصلاحاتی در رابطه مالی نیروگاه‌ها هستیم. از سوی دیگر و به‌منظور ایجاد فرصت در صنایع عمده برای چگونگی ورود به بورس، طی سال‌های ابتدایی تنها تقاضایی معادل ۳۰ درصد مصارف صنایع عمده و نیروگاه‌ها در بورس عرضه و سایر تقاضا به شیوه کنونی، توسط شرکت ملی گاز تامین شود. پیشنهاد می‌شود این میزان سالانه معادل ۱۳ درصد تا ۲۳ درصد افزایش یابد تا به ۱۳۳ درصد حجم تقاضا برسد.

باید توجه کرد که براساس تجربیات سایر کشورها، افزایش نقش و جایگاه بخش خصوصی و در نتیجه افزایش رقابت در معاملات بازار گاز یکی از عوامل موفقیت در ایجاد بازار گاز به شمار می‌رود. بر این اساس، بخش خصوصی ایران نیز می‌تواند در سه دسته کلی، مسوولیت‌هایی را بر عهده گیرد: در دسته اول، بخش خصوصی از طریق واردات، ذخیره‌سازی یا سواپ گاز، اقدام به عرضه گاز در بورس کند؛ در دسته دوم، از طریق ایجاد شرکت‌های اسکو و شرکت‌های تایید بهینه‌سازی انرژی، زمینه گسترش بهینه‌سازی در کشور را فراهم و حق‌الزحمه خود را نیز از طریق دریافت بخشی از گواهی صرفه‌جویی از

دولت دریافت کند؛ در دسته سوم نیز بخش خصوصی می‌تواند از طریق مشارکت در مدیریت صندوق بازار گاز و همچنین عضویت در نهاد تنظیم‌گر بخش گاز، شیوه اجرا را مدیریت کند.